



۲۰۱۴/۰۳/۰۸



ملیحه نایاب

تعدد زوجات

ظلم و جفا در حق زن مسلمان شمرده نمی شود؟؟



دین اسلام که بر اساس عدالت و مساوات استوار می باشد، نه تنها که تعدد زوجیات با عدالت برابر نیست بلکه جفای بزرگ در حق زن مسلمان نیز به حساب می آید، و خداوند تعالی در سوره بقره خطاب به کسانی که در حق زنان ظلم می کنند می فرماید، از آنهایی که در حق زنان جفا می کنند انتقام خواهد کشید.

تعدد زوجیات خود نیز خلاف عدالت و قانون خداوندی می باشد و خداوند از همان آغاز خلقت نظام و تشکیل خانواده را از یک مرد و یک زن قانون گذاشت، تا توازن نفوس از هر دو جنس و عدالت در میان آنها برقرار باشد. خداوند تعالی از اینکه احکام الهی به کجی به مردم رسانیده شود، از آنها در روز قیامت سؤال خواهد شد. هرگاه به معانی دقیق آیات درین مورد دقت گردد، مرد مسلمان با ایمان دلش از ترس خداوند و روز جزا به لرزه می افتد. البته تعدد زوجیات خود پیغمبر(ص) بعد از ازدواج با حضرت عایشه (رض) که بعد از وفات حضرت خدیجه (رض) صورت گرفت در شرایط آزمون اکثرأ با زنان مسن (نازا) و بی سرنوشت بود و نه بخاطر غرایض نفس، که در مورد آن بیشتر خواهیم پرداخت.

خداوند تعالی بخاطر هوای نفس مرد مسلمان هر که باشد زندگی زن مظلوم اولی (سیاه بخت) و زن دومی (سفید بخت) را به تلخی و سیاه روزی نمی کشاند، چون خداوند این جفا را در حق بندگان دوست ندارد.

آیاتی در ارتباط ازدواج (الی چهار زن) در قرآن به مردان ظالمی اشاره گردیده است که در حق دختران یتیم ظلم نموده و به هر تعداد که خواسته بودند حتی ده و دوازده و یاهم بیشتر دختران خوش صورت یتیم را در قید ازدواج خود در آورده و آنانیکه از صورت زیبا برخوردار نبودند به حیث کنیز نزد خود نگه میداشتند تا از میراث آنها استفاده نموده، و همچنان مهریه ای برای شان تعیین نمی کردند. خداوند تعالی در سوره نساء چنین می فرماید:

"در موقع عقد دختران یتیم اگر بترسید از اینکه در حق آنها بعدالت رفتار نکنید و در اموال آنها تصرف کرده مهریه شانرا نرسانید، در اینصورت آنها را نکاح نکنید، غیر آن زنان که خود دیده اید، دو یا سه و چهار بگیرید، اگر بترسید از اینکه نتوانید بین زنان بعدالت رفتار کنید، در آنصورت (یک زن) بگیرید، و بیشتر از یک زن جایز نیست. (یک زن) پاکیزه گرفتن بهتر و مناسب تر است، تا از حق منحرف نشده و به زنان ظلم نکنید."

مردان مؤمن و خدا شناس از ترس روز باز پرس (قیامت) هرگز به چنین اقدامی (تعدد زوجیات) مبادرت نمی ورزند، زیرا خداوند تعالی چندین مراتبه درین آیت اشاره به رعایت از عدالت و گرفتن به یک زن تأکید نموده است، زیرا تطبیق عدالت در میان دو زن کاریست مشکل که حتی پیغمبران از تطبیق آن عاجز بوده اند، البته مثال هایی درین رابطه ارائه خواهد شد. باید اولتر از خود پرسید که آیا خداوند تعالی در ادیان دیگر (آسمانی) نیز مردان را به گرفتن تعدد زوجیات امر فرموده است و یا اینکه صرفاً لطف خداوند در حق مردان مسلمان بوده است..؟ غریبان که انگشت انتقاد در مورد تعدد زوجیات به اسلام می گذارند، البته اکثر مسلمانان دلایل که جز برای خود آنها برای دیگران قابل قبول نیست جواب ارائه داشته و اظهار می دارند که چون نفوس زن در جهان نسبت به مرد بیشتر و یا مردان در جنگ ها زیاد کشته می شوند و غیره، درحالیکه مرگ زنان حامله در همین کشور های اسلامی و جهان سوم نیز بیشتر بوده که در هر دقیقه یک زن در موقع وضع عمل چشم از جهان می پوشد.

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

تحقیقات در مورد (ده موضوع مهم) به کتابی که در سال ۲۰۰۰ به زبان انگلیسی معلومات عمومی صورت گرفت، آمده است که تعداد مرد و زن در جهان باهم مساوی می باشد، یعنی هرگاه در یک کشور تعداد زنان روی دلایلی نسبت به مرد بیشتر باشد، حتماً در یک سرزمین دیگری تعداد مردانش نسبت به زنان بیشتر بوده که به همین ترتیب تعداد زن و مرد در جهان تا سال ۲۰۰۰ باهم مساوی قرار داشتند.

یکی از واعظین جوان در برنامه دینی برای توجیه (تعدد زوجیات) در اسلام و ضرورت آن چنین بیان داشت، از اینکه تعداد زنها در جهان زیادتیر می باشد به زنان بدون شوهر در شهر نیویارک اشاره نموده گفت: تعداد این زنها به شش ملیون می رسد و علاوه نمود که اگر قانون (تعدد زوجیات) درین ایالت مورد اجراء قرار می گرفت، اکثر آنها از مصیبت بی شوهری نجات پیدا می نمودند. . . متأسفانه به مردان شهر نیویارک که زنان بدون شوهر را مانند قوم لوط رها کرده و بجای آنها با همجنس خود مرد ها زندگی می کردند اشاره نشد، تا گلیم این مصیبت بزرگ از جهان کاملاً جمع می گردید.

در بعضی تفاسیر در مورد ازدواج پیغمبران که به تعداد زیاد زن می گرفتند، مثال از داوود (ع) می دهند که نود و نه زن داشت، البته در قرآن از آن تعداد زنان بصورت واضح یاد نگردیده است، اگر چنین می بود که به باور عقل دور به نظر می رسد، در آنصورت بی عدالتی پیغمبر را در حق زنان نشان می داد که ممکن چنین چیزی نبوده باشد.

هرگاه به اصل داستان مراجعه گردد، خداوند تعالی داوود پیغمبر را در حکایت از دو برادر (۹۹ گوسفند و یک گوسفند) مورد امتحان قرار داد، تا متوجه عدالت شده به فکر زن دیگری که حق خودش نیست نباشد، اما مفسرین مراد از ۹۹ گوسفند را اشاره به تعداد زنان داوود پیغمبر تفسیر نموده اند که مشکل است انسان آنرا بپذیرد که در خود قرآن بصورت واضح نیامده باشد.

اگر خداوند تعالی پیغمبران را دست آزاد به تعدد زوجیات آنهم به این تعداد (۹۹) قرار میداد از همان آغاز در خلقت یک مرد و یک زن نمی آفرید، در حالیکه در قسمت آخر آیات متذکره (یک زن) گرفتن را صواب دید حال مرد دانسته می فرماید: "تا از حق منحرف نشده و به زنان ظلم نکنید" یعنی خداوند تعالی طرفدار تعدد زوجیات نبوده و یک زن را مناسب تر و پسندیده تر می داند تا جفا در حق زن صورت نگیرد. اما افسوس که علما و واعظین صرف به همان بخش از آیات اکتفاء نموده اند که مردان را خوش و راضی نگهدارند.

اگر رضای خداوند در تعدد زوجیات می بود، از همان آغاز خلقت بجای یک مرد و یک زن، یک مرد و چهار زن می آفرید. تعدد زوجیات بر زنان مظلوم صدمات شدید روانی وارد نموده، بالای زندگانی شان فوق العاده تأثیرات منفی بجا می گذارد. متأسفانه داستان های بسیار درد آور از زنانی که تحت این ستم بنام شریعت و دین اسلام قربانی هوس بازی های مردان ظالم گردیده اند بسیار است که نمی توان با چند سطر آنرا خلاصه نمود. زیرا هیچ زن در جهان حاضر نیست تا تحمل زن دیگری را در کنار شوهر خود داشته باشد.

درین مورد ولتر دانشمند مشهور فرانسوی در کتابش چنین گفته است: قلب مهربان زن می تواند هر نوع گناه مردش را ببخشد، مگر هرگز حاضر نیست تا زن دیگری را در کنار شوهر خود ببیند و این گناه بزرگ مرد را هرگز نخواهد بخشید. برای اثبات این مطلب به زندگی پیغمبران بر می گردیم:

حضرت ابراهیم و سارا زنش به سن پیری رسیده بودند، با وجود آنکه تا آنزمان طفل نداشتند، ابراهیم (ع) هرگز نظر به قانون خداوند زن دیگر نگرفت و خداوند تعالی هم برایم دستور نداده بود تا به زن اولش سارا جفا کند و زن دوم بگیرد. اما زمانیکه سارا زنش خود به وی پیشنهاد نمود تا با هاجره که در خدمتش قرار داشت ازدواج نماید تا از ثمره ازدواج صاحب فرزندی شوند.

ابراهیم (ع) که پیغمبر و دوست خداوند حساب می شد، با آنهم نتوانست عدالت را در میان دو زن سارا و هاجره مراعات نماید، و بیشتر نزد هاجره به دیدن فرزند و مادرش می رفت چون محبت فرزند وی را به آنسو می کشانید، تا اینکه این عمل سبب حسودی سارا گردیده سر نا سازگاری را با هاجره و فرزندش گرفت و این حالت سبب گردید تا مادر و پسر به فرسنگ ها دور به سرزمین مکه مهاجر گردند و ابراهیم (ع) در فلسطین با سارا باقی بماند که گاه گاهی به دیدن آنها می رفت.

از ابراهیم (ع) مسلمان تر در دنیا که پدر اسلام یاد شده است چه کسی عدالت را خواهد توانست در میان دو زن مراعات کند، چه رسد به سه و چهار زن که نزد خداوند تعالی امتحان سخت تر ازین خواهد بود. در صورت رضایت زن اول که معذور بوده طفل بدنیا آورده نتواند، آنگاه مرد مسلمان می تواند زن دوم بگیرد آنهم به رضایت زن اولی، مرد نباید زن را به زور و جبر و ادا سازد تا راضی شود. خداوند تعالی در این نوع امتحانات بندگان خود را سخت مورد آزمایش قرار می دهد، حتی پیغمبرانش را که در برابر دو موجود عدالت را برقرار ساخته نتوانستند، آنها را راحت و آرام نگذاشت. متأسفانه تعدد زوجیات در اکثر کشور های اسلامی روی غریب نفسی و ثروت زیاد بنام حق شرعی مرد صورت می گیرد که جز بدبختی برای نظام های خانواده چیز دیگری بیار نمی آورد. مردان غریب حتی قدرت گرفتن یک زن را هم ندارند، البته حکم قرآنی چنین است تا ثروتمندان مقداری پول برای کسانی که توان مخارج ازدواج را ندارند تهیه نمایند تا آنها به ازدواج سالم رو آورده و از فساد جلوگیری شود. به یکی دیگر از قصص زندگانی پیغمبران می پردازیم:

در مورد ذکریا (ع) آمده است: با وجودیکه هر دو (زن و شوهر) به سن پیری رسیده بودند، آن پیغمبر از خداوند تعالی خواهش فرزند را نمود. خداوند تعالی وی را به فرزندی بنام یحیی (ع) بشارت داد، ذکریا (ع) گفت: پروردگارا چگونه مرا فرزندی خواهد بود در صورتیکه زنم نازا می باشد، البته خداوند تعالی علامتی برایش قرار داد، تا خاطرش آرام گیرد، اما برایش هدایت فرمود تا ازدواج تازه و زن جوان بگیرد، بلکه از همان زن نازایش طفل پسر نصیب شان گردانید.

خداوند تعالی از بندگان می خواهد تا به آیات قرآن زیاد تفکر و تعمق داشته باشند تا آیاتی را که برای شان روشن نباشد، با مثال ها از زندگانی پیغمبران به مطالب و معانی قرآن بیشتر آگاهی حاصل نمایند.

مثال دیگری از آل یعقوب پیغمبر درینجا متذکر میشویم:

در مورد یعقوب (ع) که در میان زنان (دو خواهر) یوسف پیغمبر و مادرش را زیاتر از زن اولش دوست می داشت، حتی پیغمبران اگر عدالت را آنچنان که باید نتوانند رعایت کنند خداوند تعالی بنده را به آرزو و خواست شان نمی رساند، داغ محبت مادر یوسف که در سن جوانی وفات نمود در قلب پیغمبر باقی ماند همچنان فراق یوسف فرزندش سبب کوری چشمانش گردید. داستان زندگی یوسف پیغمبر و برادرانش که چگونه محبت زیاد به یک زن و فرزند سبب حسادت دیگر برادران می گردد، باید مردم بیخبر از قرآن از خواب غفلت بیدار شوند و حقیقت اصل اسلام را درک نموده، به خاطر هوای نفس دنبال تعدد زوجیات نروند، که این بزرگترین گناه است و از قهر خداوند باید ترسید یعنی قلب نازک یک بنده معصوم خدا (زن) را نباید شکستاند. که فریاد درونی و درد سوزنده آنها را خداوند می داند چون به مردان خطاب می کند انتقام آنها را از ظالم می کشم.

البته زمانی که به اختیار خود با ازدواج مرد زن دار توافق می کنند زندگی یک زن همچس خود را خراب می سازند درین گناه نیز شامل بوده از انتقام خداوند در برابر زن مظلوم خلاص نمی باشند.

درینجا از تعدد زوجیات حضرت محمد مصطفی (ص) مثال می آوریم.

تعدد زوجیات رسول خدا را اگر با روشنایی عقل بنگریم، پیغمبر خدا بعد از سن پنجاه سالگی ازدواج های شان روی علت های خاص زمان صورت گرفته است و نه بخاطر قانون خاص یا هوس و عشق پیری و یا هم برای داشتن فرزندان پسر که در میان قوم عرب زیاد رایج بود. زنانی که با پیغمبر (ص) ازدواج می نمودند بیوه، مسن (نازا) بوده و اکثراً خود آنها از پیغمبر (ص) تقاضای همسری می نمودند تا در کنار نام پیغمبر افتخار شهرت و نام قومی خود را نگهدارند و زنان بی سرنوشت از قوم خود پیغمبر بودند که پناه گاه و راه دیگر نداشتند. خداوند تعالی برای اینکه بیشتر زنان به اینگونه با پیغمبر خود را پیوست ندهند و جلو آن گرفته شود به رسولش هدایت فرمود تا به همین تعداد زنان که دارد اکتفا نموده بیشتر از آن زن نگیرد. که خداوند خود از احوال و نیات قلبی این زنان و پیغمبرش نیز با خبر بود که بخاطر سرپرستی از آنها بوده و نه بخاطر عشق و هوس. زیرا دوستی و محبت رسول خدا بعد از حضرت خدیجه کبرا، حضرت عایشه صدیقه را بسیار دوست می داشت.

هیچ مرد مسلمان را سراغ کرده نمی توانیم تا بخاطر زنان بیوه که شوهران را از دست داده، با دو، سه اولادش و یا به فقر اقتصادی گرفتار باشند و زنان بی سرنوشت مسن ازدواج کرده باشند، بلکه بیشتر ازدواج ها به خاطر حسن صورت، یعنی جوانی و زیبایی یک زن صورت می گیرد که برای زن اولی بسیار گران و درد ناک تمام می شود، چون خود مرد درین حالات قرار نمی گیرد تا درد پنهانی و موقف زن را درک کند بجز پروردگارش که همه چیز را می داند که یک طبقه بندگان از کلام خداوند به نفع خود سود جویی کرده و به طبقه دیگر (زن)

ظلم و جفا را روا می‌دارند. باید علمای دین اسلام بخاطر جلب رضای پروردگار و نسل‌های آینده که مورد انتقاد بیشتر جهانیان قرار نگیرند جلو (تعدد زوجیات) را بگیرند.

در کشور هند که زنان مظلوم بعد از فوت شوهر از خانه و زندگی رانده شده در عالم بی‌سرنوشتی بسر می‌برند، دیگران هم به نظر نفرت بسوی آنها نگاه می‌کنند. ازدواج با همچو زنان بی‌سرنوشت کار صواب است و نه اینکه با بی‌عدالتی رو برو گردند که بدتر از گذشته برایشان باشد.

زمانیکه مسیحت در روم رونق پیدا نمود و کشش‌ها مردم را نظر به قانون حضرت عیسی به گرفتن یک زن دعوت می‌نمودند تا فساد و ظلم از میان برداشته شود، و لیکن رؤساء، حکما و ثروتمندان از کلیسا تقاضا نمودند تا این حکم را از قانون کلیسا حذف نمایند و نه آنها از مسیحت خارج خواهند گشت. کشش‌های کلیسا در برابر آنها مقاومت کرده نتوانستند و آنها را به داشتن چندین زن آزاد گذاشت.

برعکس در کشور ما زمانیکه قانون اساسی تدوین می‌گردید این ملامت‌ها و قاضی‌صاحبان بودند که از دولت تقاضا نمودند تا به اساس قانون مدنی (غرب) ازدواج با یک زن را شامل نسازند و قانون تعدد زوجیات به اساس شریعت اسلام باقی بماند. همین بی‌عدالتی‌ها در جامعه سبب گردیده تا در زمان مجاهدین تعدد زوجیات رونق بیشتر پیدا کند و کسانی که دالر و کلدار داشتند بیشتر به تعدد زوجیات رو می‌آوردند، همچنان در زمان طالبان این ستم در حق زنان به شکل ظالمانه‌تر به پیش رفت که عبارت از ازدواج‌های اجباری و عجولانه به زور شمشیر بود که دختران کم‌سن و سال را به عقد نکاح پیر و جوان می‌رسانیدند.

خیانت‌هایی که در حق زنان در کشور‌های اسلامی صورت می‌گیرد در تاریخ بشریت نظیر آن کمتر دیده شده است در کشور پاکستان بخاطر اخذ جهیزیه زنش، آن موجود مظلوم بیگناه را به آتش سوختانده و به قتل می‌رسانند. در دیگر کشور‌های غرب افغانان با زن دوم ازدواج می‌نمایند که نه تنها قوانین مدنی آنها را زیر پا می‌گذارند بلکه بنام بلند اسلام نیز صدمه می‌رسانند. زعمای دولت که خود را مدافعین اسلام می‌دانند بیشتر خود به قانون شکنی از احکام دین متهم می‌باشند که نباید بالای همچو اشخاص اعتماد کرد. کسانی که جفا در حق زن و فرزند خود روا می‌دارند، هیچگاه درد ملت مظلوم را دوا کرده نمی‌توانند. به بهانه اینکه ازدواج دوم حق مسلم مرد مسلمان است حتی دهن غربی‌ها را نیز بسته نموده‌اند.

روشنفکران جامعه، علمای دین و دانشمندان باید در برابر ازدواج (بیشتر از یک زن) که نه با شریعت اسلام برابر است و نه با قانون مدنی کشور‌های دیگر بایست بخاطر ترس از قهر خداوند در برابر حق مظلوم مبارزه جدی را آغاز نمایند تا مطابق به قانون خداوندی یعنی ازدواج با یک زن با شرایط خاص آن شامل قانون اساسی کشور گردد.

در کشور ایران با ازدواج موقت زنان مظلوم را در دام انداخته، با سرنوشت آنها بازی می‌شود، البته داستان‌های غم‌انگیز در رابطه با این نوع ازدواج‌ها بسیار است که قلب انسان‌های با احساس را زیاد متأثر می‌سازد. هر چند این مثال به تکرار ذکر شده، ولیکن بجا خواهد بود تا باز آنرا بنویسیم:

" چو کفر از قبله خیزد کجا ماند مسلمانی "

پایان

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاډونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ